

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

طبیعت در اشعار ناصر کشاورز

۱- فاطمه عسگری ، ۲- احمد عسگری ،

- ۱- آموزگار پایه پنجم . کارشناسی ارشد روان شناسی تربیتی. اداره آموزش و پرورش ناحیه ۴ استان قم .
- ۲- معاون آموزشی دبستان . کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی. اداره آموزش و پرورش ناحیه ۴ استان قم

Fatemehasgari68@gmail.com

asgariahmad1994@gmail.com

چکیده

طبیعت از ماده طبع به معنای نهاد، سرشت، خوی، غریزه، سنجیه، ماده، و جهان مادی آمده است. طبیعت همواره یکی از خاستگاه ها و سرچشمه های اصلی هنر بوده است. در نقاشی، موسیقی، و از همه بارزتر در هنر شعر نمود و حضور طبیعت را از قدیم ترین ایام تاکنون، در آثار منظوم و شاعرانه همه ملت های جهان می توان مشاهده کرد.

ادبیات و شعر عموماً و فارسی بویژه از همان آغاز با محیط زیست و عناصر طبیعت مانند گلها و گیاهان و پرندگان و جانوران و آب و باران و سایر عناصر در ارتباط بوده و عمده اجزای تشکیل دهنده خیال شاعرانه از طبیعت اطراف شاعر گرفته شده و قوانین طبیعت با نگاه هنرمندان شاعر کشف و بیان می شده است.

ادبیات کودک و نوجوان از این قاعده مستثنی نمی باشد. توجه شعرا به طبیعت بسیار چشمگیر است؛ تا آن جا که توصیف طبیعت، یکی از بارزترین مضامین مورد استفاده بسیاری از شاعران این حوزه بوده است. در این مقاله نگارنده سعی دارد تا مجموعه اشعار کودکانه ناصر کشاورز (مجموعه ۳۴ شعر برای کودکان) از لحاظ عناصر طبیعت با روش توصیفی-تحلیلی مورد بررسی قرار دهد تا توانمندی شاعر را در الهام گیری از طبیعت نشان دهد و به اثبات برساند. مجموعه مضامین طبیعت در اشعار او در ۱۲ محور خلاصه شده است: رنگ ها، گیاهان، ایام، عناصر طبیعت، پدیده های طبیعی، حشرات و پرندگان، حیوانات (اهلی، وحشی، آبزیان)، اشیاء، مشاغل، خوراکی ها، فصول و اماکن. فراوانی هر مضمون در اشعار این کتب مشخص شده است و سپس هر مضمون مورد تحلیل و بررسی علمی قرار گرفته است. یافته های این پژوهش نشان داد که مضامین طبیعت هر کدام در شعر ناصر کشاورز چه جایگاهی دارند و شاعر با چه اهدافی به کدام مضمون و مضامین بیشتر و به کدام کمتر توجه کرده است.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

نخستین نتیجه‌ی به دست آمده از این تحقیق نشان می‌دهد که عناصر طبیعت در کتب مورد بررسی، به طور کلی از موضع قدرت بهره‌مند می‌باشند. در بررسی دقیقتر و جزء به جزء، آشکار می‌شود که در میان عناصر طبیعت، نخست آب و به دنبال آن خورشید و دریا در بالاترین مدارج قدرت قرار دارند و در مقابل آنها عناصر مربوط به مشاغل و رنگ‌ها و فصول در پایین‌ترین درجه قرار گرفته‌اند. بقیه عناصر نیز با بهره‌مندی از قدرتی متوسط، در میان دسته‌های یاد شده قرار گرفته‌اند.

کلمات کلیدی: طبیعت، شعر، ادبیات کودکان و نوجوانان، ناصر کشاورز.

۱. مقدمه

در زبان فارسی طبیعت به معنای «سرشت که مردم بر آن آفریده شد، نهاد، آب و گل، خوی، گوهر...» تعریف شده است. و به نقل از مفاتیح العلوم (ص ۵۸) محدود ه ی آن زیر فلک قمر تا مرکز زمین دانسته شده است [۱۱].

با وجود آن که در روزگار کنونی ممکن است واژه ی «طبیعت» برای موارد گوناگون استفاده شود، معنی آن در اساس به گونه‌های مختلف گیاهان و جانوران باز می‌گردد و به طور معمول به محیط زیست طبیعی یا حیات وحش، حیوانات وحشی، کوه‌ها، جنگل‌ها، ساحل‌ها و همه ی آن چه که نفوذ انسان آن را تغییر نداده یا در برابر نفوذ انسان ایستا دگی کرده است، اطلاق می‌گردد.

طبیعت همواره یکی از سرچشمه‌های اصلی هنر بوده است. در نقاشی، موسیقی، و از همه بارزتر در هنر شعر نمود و حضور طبیعت را از قدیم‌ترین ایام تاکنون، در آثار منظوم و شاعرانه همه ملت‌های جهان می‌توان مشاهده کرد. در ادبیات فارسی، توجه ادیبان به طبیعت بسیار چشمگیر است؛ تا آن جا که توصیف طبیعت، یکی از بارزترین مضامین مورد استفاده بسیاری از شاعران پارسی گو بوده است [۱۹].

به گفته الیزابت درو: «شعری که از طبیعت سخن بگوید در همه اعصار مورد نظر شاعران بوده، اگرچه نوع آن به اختلاف ذوق هر دوره و حساسیت شاعران متفاوت بوده است [۲۰].»

یکی از زیباترین گونه‌های صور خیال در شعر، تصرفی است که ذهن شاعر در اشیاء و در عناصر بی‌جان طبیعت می‌کند و از رهگذر نیروی تخیل خویش بدانها حرکت و جنبش می‌بخشد و در نتیجه هنگامی که از دریچه چشم او به طبیعت و اشیاء می‌نگریم، همه چیز در برابر ما سرشار از زندگی و حرکت و حیات است. بسیاری از شاعران هستند که طبیعت را وصف می‌کنند اما کمتر کسانی از آنها می‌توانند، این وصف را با حرکت و حیات همراه کنند [۲۱].

ادبیات کودک و نوجوان به نوشته‌ها و سروده‌های ادبی ویژه ی کودکان و نوجوانان می‌گویند. این نوع ادبیات هم شامل بخشی از فرهنگ شفاهی عامه مانند لالایی‌ها، مثل‌ها، قصه‌ها است و هم داستان‌ها و نمایشنامه‌ها و اشعار و نیز نوشته‌هایی در زمینه ی دین، دانش، اجتماعی، علم و کاربردهای آن، هنر و سرگرمی را در بر می‌گیرد که نویسندگان برای کودکان و نوجوانان پدید می‌آورند [۳]. هدف ادبیات کودک ایجاد ارتباط با کودک است. برخلاف ادبیات که در معنای خود، گاه ادعا می‌شود بدون توجه به مخاطب خلق می‌گردد، ادبیات کودک لزوماً مقید به مخاطب است. [۹]

پیازه عملیات انتزاعی را بالاترین مرتبه رشد شناختی که از حدود ۱۲ سالگی آغاز می‌شود و تا بزرگسالی ادامه می‌یابد قرار می‌دهد. در حالی که مطالعات میدانی بسیاری نشان می‌دهد که کودکان مرحله‌ی پیش‌عملیاتی می‌توانند از آموزش نگهداری ذهنی و سایر آموزش‌های مربوط به عملیات عینی بهره‌گیرند. [۷]

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

مخاطبان شعر کودک به لحاظ تجربه‌ها و دانش ذهنی، دیرتر از بزرگسالان می‌توانند مفاهیم انتزاعی را درک کنند و ضرورت دارد طرح این مفاهیم متناسب با زبان و ذهن آنان باشد. [۱۶]

طبیعت یکی از مضامین و موضوعات اصلی ادبیات کودک و نوجوان می‌باشد. از آنجا که مخاطب این حوزه، امکانات و تجربه‌های ذهنی کمتری برای درک مفاهیم انتزاعی دارد، باید با ابزار مختلف این مفاهیم را برای او عینی و ملموس کرد. مصادیقی که به عنوان مصداق طبیعت در این نوع ادبیات در نظر گرفته شده است بسیار متنوع و غالباً قابل لمس است و از طرفی چیزهایی می‌باشد که کودک دیده و معمولاً برای او جالب است.

طبیعت از چند جهت می‌تواند مورد توجه شاعران ادبیات کودک و نوجوان قرار گیرد. یکی، گستردگی آن و دیگری تنوع موضوعات و پدیده‌هایی که در آن هست و سوم زیبایی و دل‌انگیزی آن بخصوص برای کودک. نیز دلیل چهارم تناسبی است که میان تمایلات و ویژگی‌های روحی - روانی کودک با طبیعت وجود دارد. ژان پیاژه معتقد است که در نظر کودکان مرز میان جاندار و بی‌جان محو می‌شود. آنها اصل را بر جاندار بودن همه چیز می‌گذارند و زندگی و عوارض آن را به کلیه اشیاء و پدیده‌های پیرامون خود نسبت می‌دهند [۴].

در میان شاعران حوزه ادبیات کودک و نوجوان می‌توان به شاعران برجسته‌ای چون ناصر کشاورز، اسدالله شعبانی، شکوه قاسم‌نیا، مصطفی رحماندوست و جعفر ابراهیمی شاهد اشاره کرد. با وجود این که این شعرا به صورت مستقیم و صرف به وصف طبیعت نپرداخته است ولی در خلال اشعار خود از طبیعت برای ارتباط بهتر و بیشتر با مخاطب بهره گرفته‌اند. کشاورز شعر را در طبیعت می‌جوید و انتظار دارد که در شعر خود، به یگانگی با طبیعت برسد. در میان شاعران نوجوان، کم‌تر شاعری می‌توان یافت که به اندازه ناصر کشاورز طبیعت‌گرا باشد.

ناصر کشاورز در سال ۱۳۳۱ در تهران به دنیا آمد. او شعر کودک را با همکاری مجله‌ی کیهان بچه‌ها شروع کرد. این شاعر کودک و نوجوان فعالیت در ادبیات، به ویژه در بخش شعر کودک و نوجوان را از سال ۱۳۶۱ آغاز کرده است. از وی به عنوان یکی از شاعران نوگرا و صاحب سبک در شعر کودک و نوجوان نام می‌برند. اولین شعر او در سال ۱۳۶۲ چاپ شد. کشاورز اولین کتاب خود را سال ۱۳۶۵ منتشر کرد. این کتاب «من و مرغابی‌ها» نام داشت و نشان از شاعری توانا و خوش‌قریحه می‌داد. او علاوه بر پرکارترین، پر جایزه‌ترین شاعر کودک نیز هست. نشان ماه طلایی از جشنواره‌ی بزرگ ادبیات کودک و نوجوان، نشان مداد پرنده با ارزش‌ترین نشان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و جایزه دوازدهمین جشنواره کتاب کودک و نوجوان در بخش شعر برای کتاب «مداد کوتاه» بخشی از کارنامه‌ی او را شکل می‌دهند. از او تاکنون حدود ۱۶۰ عنوان کتاب در حوزه ادبیات کودکان منتشر شده است. از مجموعه آثار منتشر شده او می‌توان «تلخ و شیرین»، «این طرف لطفاً فقط هیس»، «اتل متل کلوچه»، «پاتک به لحظه‌ها»، «راز تاک»، «گرگ و میش» نام برد.

۲. تئوری و پیشینه تحقیق

تا چندی پیش ادبیات کودک و نوجوان مطرح نبود و اگر هم بود نه به آن محتوا و قالبی که باید باشد. وقتی سخن از مطرح نبودن ادبیات کودکان تا سالهای اخیر می‌کنیم توجه مان بر روی معنای ادبیات کودکان است و گرنه ادبیات برای کودکان زمان شروع معینی ندارد. از زمانی که مادری برای طفلش آواز خوانده‌شکلی از ادبیات کودک نیز خلق شده است. لالایی‌ها یکی از اولین انواع ادبیات شفاهی است. نوع دیگر ادبیات شفاهی قصه است [۸].

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

لالایی‌ها، مثل‌ها، ترانه‌های کودکان، افسانه‌های خردسالان، داستان‌های ماجراجویی و حماسی و عاشقانه و اسطوره‌ها که همه زائیده‌ی تخیل و تفکر مردم اعصار مختلف هستند؛ بنیاد و اساس ادبیات کودکان و نوجوانان را تشکیل می‌دهد. [۳]

در سراسر دنیا کودکان با لالایی‌ها و مثل‌ها کودکی مشترکی را پشت سر گذاشته‌اند اما تعیین تاریخ دقیق ادبیات کودکان چندان کار ساده‌ای نیست زیرا توجه به آموزش و پرورش کودک و اهمیت دوران کودکی در زندگی بزرگسالی از زمان‌های بسیار قدیم مورد توجه بوده است و مراجعه به آثار و کتابهای فیلسوفان شرق و غرب در قرنهای اولیه این واقعیت را روشن می‌نماید ولی در همه‌ی آنها کودک به عنوان مرد یا زن کوچک منظور شده است و اگر هم نوشته‌ای ویژه کودکان و نوجوانان منظور شده است برای رسیدن به هدف تربیتی بوده است. چنان‌چه بتوان گفت نخستین کتاب مخصوص کودکان زیر عنوان "یادگیری برای کودکان" بین سالهای ۱۶۷۱ تا ۱۶۷۲ بوسیله یک روحانی مسیحی به نام جیمز جنی وی نوشته شد. [۸]

در تمام نوشته‌های ادبی گذشته، کودک کوچک شده بزرگسالان پنداشته شده، و به آینده کودک بیش از حال او توجه شده است؛ به همین سبب ادبیات کودکان به معنا و مفهومی که ما امروز از آن داریم در ایران کاملاً تازگی دارد و شاید تاریخ آن به ربع قرن بیشتر تجاوز نکند [۱۸].

با انقلاب مشروطیت و ورود صنعت چاپ به ایران و گسترش اندیشه‌های آزادی خواهانه و نو شدن اندیشه‌های تربیتی، تاسیس مدارس جدید سبب شده است تا کودکان مورد توجه قرار گیرند و صاحب ادبیات خاص خود شدند. جایگاه ادبیات کودک در عصر حاضر وارد مرحله چهارم یعنی خلق مستقل ادبی شده است.

سال ۱۳۴۰ نقطه عطفی در تاریخ ادبیات کودک و نوجوان است. در این سال چرخشی بنیادین در کتاب‌های درسی پدیدار شد. روش تدریس و مطالب کتاب‌های جدید، سن مطالعه را تقریباً سه سال پایین آورد و بدین ترتیب جمعیت کتابخوان چندین برابر شد. در همین سال نخستین کتاب مدون ادبیات کودک چاپ شد [۸].

سال‌های پس از ۱۳۴۰ را می‌توان دوره‌ی تازه‌ای در ادبیات کودک و نوجوان دانست. در این دوره اهمیت ادبیات کودک در رشد فکری و پرورش اندیشه و تخیل از دوران کودکی و نوجوانی در ایران شناخته شد. ویژگی عمده‌ی این دوره توجه به نیازهای کودکان و رشد ادبیات ویژه‌ی آنان در برابر آثار ترجمه شده است [۳].

توصیف طبیعت، یکی از بارزترین مضامین مورد استفاده بسیاری از شاعران پارسی گو بوده است. شعر فارسی را در فاصله‌ی سه قرن نخستین، تا پایان قرن پنجم، باید شعر طبیعت خواند، زیرا علی‌رغم اینکه طبیعت همیشه از عناصر اولیه‌ی شعر است و هیچ‌گاه نمی‌توان شعر را از طبیعت جدا کرد، شعر این دوره (قرن سوم تا پنجم) از نظر توجه به طبیعت، سرشارترین دوره شعر در ادب فارسی است [۲۶].

در ادب پارسی، ابوالنجم احمد بن قوص منوچهری دامغانی، شاعر طراز اول نیمه اول قرن پنجم هجریست. او بهترین نماینده این دوره، از نظر تصاویر شعری به شمار می‌رود. در دیوانش مجموعه وسیعی از تصاویر گوناگون طبیعت، با رنگها و خصایص ویژه و دید شخصی شاعر دیده می‌شود. [۱۹]

نمود طبیعت در غزلیات مولانا چشمگیر است. این حضور هم از لحاظ تعداد ابیات و هم تنوع عناصر طبیعی به کاررفته درخور توجه است. این کثرت توجه شاعر به طبیعت علاوه بر آنکه معلول ذوق شاعرانه و مطالعه فراوان او است، آگاهی مولانا را از امکانات لفظی و تأثیربخشی مظاهر طبیعت به نمایش می‌گذارد.

در میان شاعران معاصر، می‌توان سهراب سپهری و نیما یوشیج را جز شاعرانی نام برد که طبیعت و جلوه‌های آن به وفور در شعر آنان دیده می‌شود. طبیعت‌گرایی سهراب بیش از هر چیز از سادگی روح و صفای باطن او ناشی می‌شود و او تمام امور را در طبیعت

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

به سوی خدا در حرکت می‌داند. نیما یک شاعر اجتماعی است و طبیعت در شعر او یا فقط صرف توصیف می‌آید و یا آن که بیان درد مردم را در نظر دارد.

از میان شاعران حوزه ادبیات کودک و نوجوان اشعار پروین دولت‌آبادی از لحاظ محتوایی مورد بررسی قرار گرفته است و مشخص شده است که مضامین طبیعت‌گرایانه در شعر او بالاترین درصد را به خود اختصاص داده است.

ناصر کشاورز متولد ۱۳۴۱ از چهره‌های شاخص ادبیات کودک و نوجوان به شمار می‌آید؛ چهرای که از میانه‌ی راه به این قافله پیوسته و به سرعت به جمع شاعران تأثیرگذار این عرصه ملحق شده و حضوری پایا و پویا را به ارمغان آورده است. او به عنوان یکی از شاعران نوگرا و صاحب سبک در شعر کودک و نوجوان می‌باشد و اولین کتاب خود را در سال ۱۳۶۵ منتشر کرد.

از او تاکنون حدود ۱۶۰ عنوان کتاب در حوزه ادبیات کودکان منتشر شده است مجموعه ۱۲ جلدی "شعرهای نی نی کوچولو"، مجموعه ۱۲ جلدی "می نی نی و مامانش"، مجموعه ۴ جلدی "دویدم و دویدم"، "کلاغ زرد"، "مسئولیت"، "آزادی"، "کنجشک و پروانه"، "سیب جان سلام" و "مرا یک دایناسور درسته قورت داده"، ۴ مجموعه "تلخ و شیرین"، "رنگ‌های گمشده"، "از این طرف لطفاً فقط هیس" و "بوی نرگس" تعدادی از آثار اوست.

از بررسی‌هایی که در اشعار کودکان ناصر کشاورز انجام شده می‌توان به "پیوند وزن و محتوا" اشاره نمود. می‌توان گفت، یکی از رموز توفیق این شاعر کودک، هماهنگی میان وزن و محتوای اشعارش است؛ چرا که درصد زیادی از آن اشعار، با توجه به نوع وزن، و مضمون شعر، دارای این هماهنگی بودند.

هم چنین به بررسی "جلوه‌های مختلف عشق" از جمله عشق به خدا، عشق به آفریننده‌های خدا و عشق انسان به انسان در اشعار او پرداخته شده است. او از نخستین شاعرانیست که در حوزه کودک و نوجوان به مضمون عشق پرداخته است.

در شعر کودک، خدا در جزیی‌ترین پدیده‌های طبیعت حضور دارد و با تمام اجزا و عناصر آن گره خورده است. در بررسی‌های انجام شده پیرامون "تجلی خدا در شعر کودک و نوجوان" اشعار او نیز مورد بررسی و نقد قرار گرفته است. تجلی خدا در اشعار کودک در موارد "معرفی خداوند به کودکان از طریق ترکیب‌های وصفی و تشبیهات"، "برشمردن نعمت‌ها"، "دعاها و درخواست‌ها"، و "جایگاه خدا" مشخص شده است.

کشاورز شعر را در طبیعت می‌جوید. در میان شاعران نوجوان، کم‌تر شاعری می‌توان یافت که به اندازه ناصر کشاورز طبیعت‌گرا باشد. در واقع او ستایشگر بی‌ریای طبیعت است و آدمی را به دوستی ابدی با طبیعت می‌خواند. با وجود کثرت استفاده از مضامین طبیعت در اشعار او تاکنون جلوه‌های طبیعت به صورت اختصاصی در شعر او مورد بررسی و تحلیل قرار نگرفته است لذا نگارنده بر خود لازم می‌داند که عناصر طبیعت در اشعار او را مورد بررسی قرار دهد.

۳. متن اصلی مقاله :

در زبان فارسی طبیعت به معنی «سرشت که مردم بر آن آفریده شد، نهاد، آب و گل، خوی، گوهر...» تعریف شده است. [۱۱]. به طور ساده می‌توان گفت جهان پدیده‌ها و محسوسات به دو دسته‌ی طبیعی و غیر طبیعی تقسیم می‌شود. پس طبیعت همان چیزی است که انسان آن را نساخته است. با این حال گروهی از جمله ویلیامز معنای وسیع‌تری برای طبیعت در نظر می‌گیرند و آن چه را که انسان نساخته اما در آن تصرف کرده است، هم چون باغ و پرچین، در نظر آن‌ها جزو طبیعت به شمار می‌آید [۱۶]. ایرانیان از دیرباز به طبیعت علاقه داشته‌اند و بزرگترین عید باستانی ایران عید نوروز نیز با عناصر زیست محیطی و طبیعت گره خورده است [۱۴].

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

در دیگر کشورها نیز عناصر طبیعی، اهمیت خاصی دارد؛ مثلاً ژاپنی ها و چینی ها به گل عشق می ورزند و هر سال عیدی به نام عید گل برپا می کنند و نزد یونانیها نیز درخت زیتون مظهر صلح و صفا است [۱۴].

در باورها و عقاید دینی جهان نیز توجه به مظاهر طبیعت قابل توجه است. در اسلام به بهره گیری از طبیعت و سبزه سفارش شده است [۱۴]. هم چنین در قرآن کریم افزون بر ۷۵۰ آیه به پدیده های طبیعی اشاره داشته و بیش از ده درصد آیات این کتاب اختصاص یافته است. در غالب این آیات مطالعه کتاب آفرینش و تدبیر در آن توصیه شده است [۲۴]. از سویی دیگر قرآن غالب تمثیل ها و توضیح های خود را به مدد آثار طبیعت بیان کرده و از انسان ها خواسته است تا در نشانه های الهی بیندیشند [۱۳]. خداوند متعال سرنوشت انسان را به گونه ای رقم زد که در دامن طبیعت رشد کند و به طور کلی بدان نیازمند باشد. مظاهر طبیعی نیز به عنوان مواهب الهی در خدمت انسان قرار گرفته تا نیازهای او برآورد و زمینه ساز بقا و حیات او باشد. بدین سان در قرآن به برخی از عناصر زیست محیطی مانند زیتون، طین، سوگند خورده، و به برخی دیگر نیز اشاره شده است؛ مانند کوه طور، نمل (مورچه)، نخل و عنب (انگور)، نخل (زنبورعسل) و دیگر مظاهر طبیعت [۱۴].

هم چنین در قرآن آیات زیادی داریم که بشر را به مطالعه طبیعت دعوت می کنند:

(بگو بنگرید که در آسمان ها و زمین چه چیزهایی است) (یونس، ۱۰۱)

قرآن کریم در موارد گوناگون، از جلوه های طبیعی نام برده و آن ها را راه خداشناسی معرفی کرده است. در ذیل به ذکر چند نمونه از این آیات بسنده می کنیم.

- « بِحُسْبَانِ الْقَمَرِ وَالشَّمْسِ » (خورشید و ماه روی حساب در گردشند) (الرحمن، ۵)

« آن خدائی که بادها را میفرستد تا ابر را برانگیزاند . پس ما آن را روانه سرزمینی خشک و مرده مینمائیم و آن سر زمین را پس از آنکه مرده بود بدان زنده می کنیم . این چنین است رستاخیز بزرگ » (فاطر، ۹)

« آیا به شتر نمی نگرند که چگونه آفریده شده است و به آسمان نمی نگرند که چگونه بر افراشته شده است و به کوهها نمی نگرند که چگونه بر پا شده است و به زمین نمی نگرند که چگونه گسترده و هموار شده است » (غاشیه ، ۲۰-۱۷)

طبیعت از دیرباز الهام بخش شاعران بوده و توانسته است جایگاه ویژه ای را در سروده های شاعران به خود اختصاص دهد، به طوری که کمتر دیوان شعری را می توان یافت که قسمتی از آن با طبیعت مرتبط نبوده باشد.

شاعران در مواجهه با طبیعت، دو رویکرد عمده داشتند و دارند: یا به طبیعت به عنوان نقشی زیبا و رنگارنگ و دل فریب نظر دوخته و آن را در اشعار خود وصف کرده اند یا آن که از عناصر طبیعت در تشبیه و استعاره و نماد برای بیان مقصود خود بهره جسته اند. [۲۶].

یکی از زیباترین گونه های صور خیال در شعر، تصرفی است که ذهن شاعر در اشیاء و در عناصر بی جان طبیعت می کند و از رهگذر نیروی تخیل خویش بدانها حرکت و جنبش می بخشد و در نتیجه هنگامی که از دریچه چشم او به طبیعت و اشیاء می نگریم، همه چیز در برابر ما سرشار از زندگی و حرکت و حیات است. بسیاری از شاعران هستند که طبیعت را وصف می کنند اما کمتر کسانی از آنها می توانند، این وصف را با حرکت و حیات همراه کنند [۱۹].

نخستین شاعرانی که برای کودکان شعر گفتند، شاعر کودک نبودند، بلکه شاعران بزرگسالی بودند که از سر تفنن یا از سر احساس مسئولیت و ضرورت اشعاری هم برای کودکان سرودند.

« بسیاری از شاعران معروف دوره ی مشروطه و بعد از آن از جمله بهار، ایرج میرزا، عشقی و نسیم شمال کودکان را نیز فراموش نکردند. البته از نظر مفهوم فنی کلمه، این شعرها را تا آنجا می توان شعر کودک نامید که مخاطب آن ها کودکان هستند. اما از یک

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

جهت مهم هنوز با شعر کودک به مفهوم امروز کلمه فاصله دارند. این اشعار هنوز به اندازه‌ی کافی به عالم کودکی و توجه داشتن به خصیصه‌های ادراکی و عاطفی ذهن کودک نزدیک نشده‌اند.» [۵]

از دیگر اشعار شاعران بزرگسال که رد پای از شعر کودک در آن‌ها دیده می‌شود، می‌توان شعر «پریا» و «بارون» احمد شاملو و «به علی گفت مادرش روزی» فروغ فرخزاد را نام برد. قیصر امین‌پور از دیگر شاعرانی است که اشعاری هم برای کودکان دارد. «به قول پرستو» و «مثل چشمه، مثل رود» دو مجموعه شعر کودک اوست. اما شعر کودک به مفهوم اصطلاحی و دقیق آن به عنوان یک نوع ادبی «یعنی شعری که به عالم خاص کودکی نیز توجه دارد و به خصوصیات ویژه ذهن کودک نظری دارد با کارهای جبار باغچه‌بان و عباس یمینی شریف شروع شد.» [۵]

در میان شاعران حوزه ادبیات کودک و نوجوان می‌توان به شاعر برجسته ناصر کشاورز اشاره کرد. با وجود این که این شاعر به صورت مستقیم و صرف به وصف طبیعت نپرداخته است ولی در خلال اشعار خود از طبیعت برای ارتباط بهتر و بیشتر با مخاطب بهره گرفته است.

همان طور که در جدول ۱ مشخص است، در این مقاله مجموعه مضامین طبیعت در اشعار او در ۱۲ محور خلاصه شده است: «رنگ ها، گیاهان، ایام، عناصر طبیعت، پدیده های طبیعی، حشرات و پرندگان، حیوانات (اهلی، وحشی، آبزیان)، اشیا، مشاغل، خوراکی ها، فصول و اماکن.»

جدول ۱: تنوع موضوعی طبیعت در اشعار کودکانه ناصر کشاورز

درصد	مفاهیم طبیعت گرایانه	
۳.۶۸	رنگ ها (سرخ، نارنجی، زرد، سفید، آبی، سبز، قرمز، بنفش)	
۸.۲۱	عناصر طبیعت (آب، آتش، خاک و باد)	
۲۶.۰۶	پدیده های طبیعی (ساحل، دریا، آسمان، موج، خورشید، صحرا، زمین، ماسه، گل، شن، ماه، رود، ستاره، باران، برف، رنگین کمان، چشمه، دود، شعله، خاکستر، کویر، سایه، ابر، کوه، حباب، کف، نسیم)	
۹.۹۱	گیاهان (شاخه، گل، برگ، بوته، گیاه، پیچک، یاس، ریشه، جو، درخت، درخت بید، گندم، کاه، ارزن)	
۱۱.۶۱	ایام (روز، شب، صبح، لحظه، سال، غروب، گاه و بیگاه، دوباره، زود، زمان، گذشته، دوره، عصر، ساعت)	
۸.۷۸	حشرات و پرندگان (مرغابی، کلاغ، کرم، شاپرک، لک لک، سنجاقک، بلبل، اردک، غاز، خروس، دارکوب، جوجه، مورچه)	
۳.۹۶	اشیا (گلدان، سنگ، دیوار، ناودان، کاه گل)	
۳.۱۱	مشاغل (نقاش، قالی باف، باغبان، کدخدا، شالیکار، نجار، چوپان، راننده)	
۵.۶۶	خوراکی ها (کلوچه، فندق، سیب زمینی، سیب، میوه، نارنگی)	
۲.۸۳	فصول (بهار، پاییز، زمستان)	
۳.۳۹	اهلی (گره، سگ، گوسفند، بز، بره، میش، الاغ)	حیوانات
۰.۸۴	وحشی (گرگ، آهو)	
۲.۵۴	آبزیان (ماهی، خرچنگ)	

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

۹.۳۴

اماکن (باغ، جالیز، نیزار، کشت زار، شالیزار، بام، لانه، بیلله، کوچه، جاده، ده، روستا، شهر، خانه)

۱.۱.۳. رنگ ها :

در زمین آنچه را برای شما آفریده به انواع گوناگون و اشکال رنگارنگ در آورد. (نحل، ۱۳)

از جمله موارد توصیف طبیعت در قرآن، توصیف رنگهاست. تنوعی که حس کنجکاوی انسانها را بر می‌انگیزد و به انسان گوشزد می‌کند که درباره علت پیدایش رنگها تأمل کند. رنگ ها در طبیعت به دو بخش تقسیم می‌شوند: رنگ‌هایی که حزن‌آورند و رنگ‌هایی که شادی‌آفرین هستند.

قرآن به رنگ‌های شادی‌بخش، اهمیت ویژه‌ای می‌دهد که شگفتی همگان را برمی‌انگیزد و انگیزه‌ای برای جلب توجه به وجود می‌آورد مانند رنگ زرد، رنگ سبز و سفید. مثلاً در اوصاف بهشتیان از رنگ سبز یاد می‌کند که بهشتیان بر پشتی‌های سبزرنگ تکیه زده‌اند یا از رنگ سفید در توصیف نوشیدنی‌های اهل بهشت یاد می‌کند.

شاعر در طبقه رنگ ها به طور مستقیم و غیر مستقیم در مجموع از ۱۳ مورد استفاده کرده است که رنگ سبز (۳ مورد) بیشترین موارد استفاده شده را به خود اختصاص داده است و در مراتب بعدی رنگ های سفید، آبی، قرمز و زرد (۲ مورد) و در پایین ترین درجه رنگ های نارنجی و بنفش (۱ مورد) قرار دارند.

شاعر در مجموعه اشعار خود از دو گروه رنگ استفاده کرده است. گروه اول شامل رنگ های گرم و پیش رونده ای است که به روند جذب، فعالیت و شدت ارتباط می یابند (سرخ، نارنجی، زرد و تا حدودی سپید) و گروه دوم در برگیرنده رنگ های سرد و انزوا طلبانه است که مربوط به جریان های منفی، سست و ناسازگارند (آبی، نیلی، بنفش، و تا حدودی سیاه). سبز رنگی میانه و رنگی انتقالی است که دو گروه را به هم می پیوندد [۱۰].

۱.۱.۳.۱. رنگ سبز :

رنگ سبز در نظام آفرینش و در بین رنگ ها یک رنگ برجسته و درخشان می باشد، به گونه ای که جهان آفرینش در یک سفره سبز رنگ گسترده شده است. طبق روانشناسی رنگ ها، رنگ سبز نماد طبیعت، نشانگر آرامش و خوشبختی، عزم راسخ و پایداری و مقاومت در برابر تغییرات، ثبات عقیده و خود آگاهی حکایت می کند [۱۲].

رنگ سبز، رنگ پدیده های زمینی، ملموس، دریافتنی، رویش پذیر و نماینده نقش حواس است. رنگ سبز حاکی از باروری و مزارع، همدلی و سازگاری می باشد [۱۰]. از سوی دیگر رنگ سبز رنگ خرمی و شادابی است و در باطن رنگ نیکی و احسان است. در اشعار ناصر کشاورز رنگ سبز نشان از سرسبزی و خرمی و رنگ پدیده های زمینی دارد.

۲.۱.۳. رنگ بنفش :

رنگ بنفش یک رنگ فرعی بوده و از ترکیب دو رنگ اصلی آبی و قرمز به وجود می آید. خصوصیات این رنگ سردی، بی طرفی، کناره گیری و کنایه از خون و اندوه و غم و تسلیم است [۱۶]. این رنگ می تواند به معنای هم ذات پنداری، صمیمیت، ترکیبی از تمایلات جنسی و حتی به معنای کشف و شهود باشد [۱۶].

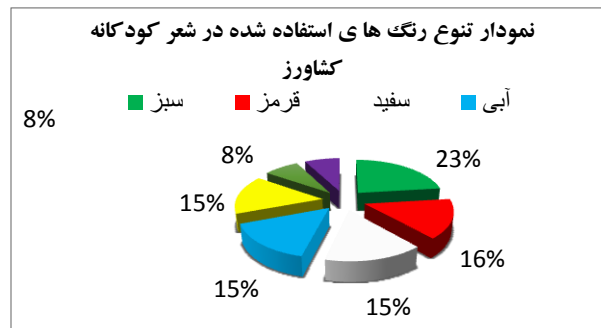
به نظر می رسد در اشعار کشاورز رنگ بنفش در معنای واقعی خود بکار رفته است و فقط نمایانگر یک رنگ می باشد.

۳.۱.۳. رنگ نارنجی :

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

رنگ نارنجی، یک رنگ فرعی است که از ترکیب دو رنگ اصلی، قرمز و زرد که هر دو رنگ گرم می باشند به وجود می آید. این رنگ نشان دهنده جذب و هیجان فراوان می باشد. این رنگ برانگیزنده و تهییج کننده بوده و در عین حال آرامش بخش و تسکین دهنده می باشد. این رنگ غالباً برای جلب توجه استفاده می شود. در اشعار کشاورز رنگ نارنجی در مورد بکار رفته برای جلب توجه استفاده شده و نشان از جذب می باشد.



۲.۳. عناصر طبیعت :

شاعر در طبقه عناصر چهار گانه طبیعت به طور مستقیم و غیر مستقیم در مجموع از ۲۹ مورد استفاده کرده است که آب (۲۱ مورد) بیشترین موارد استفاده شده را به خود اختصاص داده است و در مراتب بعدی آتش (۴ مورد)، خاک (۳ مورد)، و در پایین ترین درجه باد (۱ مورد) قرار دارند.

۲.۳.۱. آب :

ما هر چیز زنده را از آب قرار داده ایم. (انبیا، ۳۰)

آب در دین مقدس اسلام اهمیت زیادی دارد و آب بعد از انسان، با ارزشترین آفریده ی خداوند متعال در قرآن کریم نشان داده شده است. در قرآن بیش از ۱۰۰۰ آیه درباره ی آب در طبیعت وجود دارد و خداوند متعال، انسان را به تفکر درباره ی آب دعوت کرده و شکر گذار بودن نسبت به این نعمت بزرگ را یادآور شده است. آب در قرآن به عنوان برکت خداوندی است که حیات می بخشد، حیات را حفظ می کند و بشر و زمین را پاکیزه می گرداند.

آب یکی از عناصر چهارگانه ای است که به اعتقاد قدما در آفرینش جهان به کار رفته است. ایرانیان از گذشته های دور به نقش آفرینندگی آب معتقد بوده اند و آن را عنصری مقدس و ایزدی می دانستند. معنای نمادین آب را می توان در سه مضمون اصلی چشمه ی حیات، وسیله ی ترکیه و مرکز حیات دوباره خلاصه کرد. در اساطیر ملل، آب را نماد مرگ و زندگی دانسته اند [۲۳].

آب در ادبیات فارسی گاه نماد زندگی و گاه رستگاری، کامیابی و موفقیت است. گاهی نیز معنای نابودی و فنا را القا می کند. کارل گوستاو یونگ به طور کلی حوزه وسیع نمادین آب، را در ادبیات جهان چنین برمی شمارد: "آب: راز خلقت؛ تولد، مرگ، رستاخیز؛ تطهیر و رستگاری؛ باروری و رشد است." آب در ضمن رایج ترین نماد ناهشیار است [۱۵].

در فرهنگ اساطیری ایران، آب مایه جاودانگی و روین تنی و حیات بخشی است [۲].

آب مظهر زیبایی و لطافت و سرسبزی نیز می باشد. هر کجا آب روان، سبزه بود، هر کجا آب هست، صفا و لطافت هم هست. [۶] به نظر می رسد در شعر کشاورز در نمونه های موجود آب به معنای تطهیر و پاک و مظهر زیبایی می باشد.

۲.۳.۲. آتش :

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

آتش همانند آب واسطه ای است میان صورت هایی که نابود می شوند و صورت هایی که آفریده می شوند و نمادی از تغییر شکل و تولد دوباره است. گاهی اوقات آتش رمز و نمادی از شهوت و صفات ناپسند است و در برخی موارد نمادی از عشق است [۱۰].

۳.۲.۳. خاک:

این عنصر طبیعی از عناصر چهارگانه، همیشه در ادبیات نماد پستی و حقارت و بی ارزشی بوده است. از طرفی باروری و رنگین شدن خاک در فصل بهار و ظرفیت پذیرش رشد و نمو از ویژگی های آموزنده خاک می باشد.

۳.۲.۳. باد:

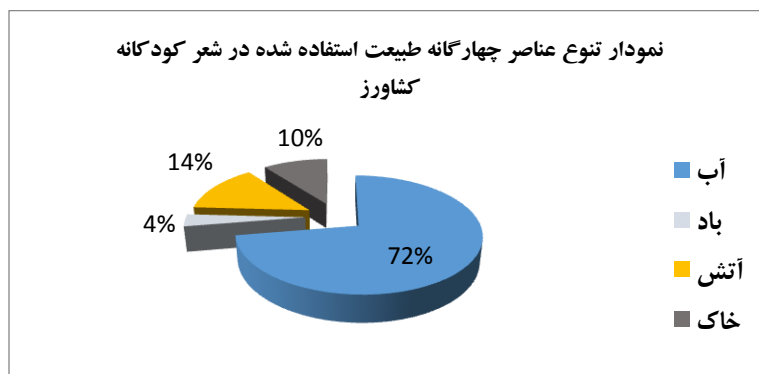
از نشانه های او آن است که بادهای مژده دهنده را می فرستد. (روم، ۴۶)

چهره ای که قرآن از "باد" یاد می کند چهره ای بشیر و نذیر است. دشت ها با باد سرسبز می شود و خرّمی جنگل ها از آن است. باد مبشر باران است و نسیم بهشتی را به مشام و پیکر خلائق می رساند. باد هم چنین وقتی به جنبش آید و به عنوان "ماءمور الهی" وزیدن گیرد، گردبادها و طوفان ها به راه می اندازد، گرد و خاک ها می کند و بزرگترین کارها را انجام می دهد [۱۳].

بادهمان هوا در جنبه های فعال و خشن آن است و به سبب ارتباطی که با نفس آفرینش گر و بازدم دارد آن را در شمار عناصر اصلی دانسته اند. باد در برترین حالت فعالیت پدید آورنده ی طوفان است که دارای قدرت باروری و زایش است. [۱۰]

باد بیشتر به صورت باد و نسیم سحر در سراسر تاریخ ادبیات فارسی، عنصر و عامل ارتباط و پیوند عاشق و معشوق و وسیله ارتباط آنها بوده است.

به نظر می رسد در اشعار ناصر کشاورز باد به معنای قدرت باد می باشد.



۳-۳: پدیده های طبیعی:

شاعر در طبقه پدیده های طبیعی در مجموع از ۹۲ مورد استفاده کرده است که خورشید (۱۲ مورد) بیشترین موارد استفاده شده را به خود اختصاص داده است و در مراتب بعدی دریا (۱۰ مورد)، آسمان (۸ مورد)، موج، صحرا (۷ مورد)، ساحل (۶ مورد)، ابر، برف، کوه (۴ مورد)، ماه، رود، باران، چشمه، ماسه (۳ مورد)، زمین، رنگین کمان، گل (۲ مورد) و در پایین ترین درجه سایه، کویر، خاکستر، ریشه، جو، گندم، کاه، ارزن (۱ مورد) قرار دارند.

۳-۳-۱: خورشید:

سوگند به خورشید و پرتو تابانش (شمس، ۱)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

که از سر لطف در اختیار آنان نهاده تا در پرتو بهره وری از آنها هم روزی انسان فراهم آید و هم نشاط و شادابی و بهجت برای آدمیان پدید آید [۱۳].

شاعر در طبقه گیاهان به طور مستقیم و غیر مستقیم در مجموع از ۳۵ مورد استفاده کرده است که گل (۸ مورد) بیشترین موارد استفاده شده را به خود اختصاص داده است و در مراتب بعدی درخت (۷ مورد)، شاخه، برگ و بوته (۴ مورد)، و در پایین ترین درجه گیاه، پیچک، یاس، ریشه، جو، گندم، کاه، ارزن (۱ مورد) قرار دارند.

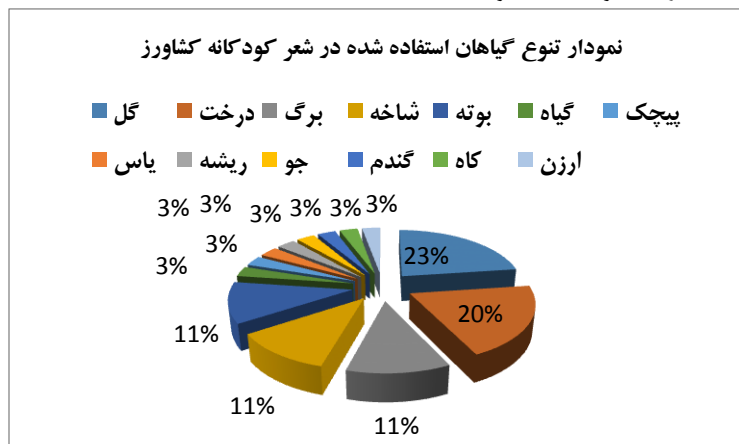
۳-۴-۱: گل:

گل های مختلف دارای معانی گوناگونند اما همان گونه که اغلب رخ می دهد، نماد پردازی گل ها به طور عام دارای دو اهمیت اساسی و متفاوت است. (۱) از جهت ماهیت (۲) از جهت شکل. از جهت ماهیت گل نماد زودگذری، بهار و زیبایی است اما گل به سبب شکل ظاهری آن تصویری از مرکز و در نتیجه کهن الگویی از روح است. مفهوم اساسی باید با رنگ گل سازگار باشد. گل های نارنجی یا زرد نشانه تقویت مبانی نماد پردازی خورشید و رنگ سرخ بر رابطه با زندگی حیوانی، شهوات و خون بوده است. گل آبی نمادی افسانه ای از ناممکن هاست [۶].

کشاورز در شعر خود از گل به معنای زیبایی، لطافت و زود گذری استفاده کرده است.

۳-۴-۲: گیاه:

گیاهان در تمامی شکل های خود دو دلالت اساسی دارند، نخست مربوط به تجدید حیات سالانه آن هاست که وابسته به نماد پردازی مرگ و رستاخیر، در پی الگوی زمستان و بهار است و دوم فراوانی که پدیدآورنده مفهوم بارآوری است [۶]. کشاورز در شعر خود از گیاه به معنای رستاخیز استفاده کرده است.



۳-۵-۱: ایام:

شاعر در طبقه ایام به طور مستقیم و غیر مستقیم در مجموع از ۴۱ مورد استفاده کرده است که شب و روز (۱۰ مورد) بیشترین موارد استفاده شده را به خود اختصاص داده است و در مراتب بعدی سال (۵ مورد)، زود (۳ مورد)، ساعت، صبح و لحظه (۲ مورد) و در پایین ترین درجه غروب، گاه و بیگاه، دوباره، زمان، گذشته، دوره و عصر (۱ مورد) قرار دارند.

۳-۵-۱: شب:

« او کسی است که شب را برای شما لباس قرار داد و خواب را برای شما مایه ی آرامش قرار داد» (فرقان، ۴۷)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

در قرآن "لیل" به معنای تاریکی و سیاهی شب است. در قرآن ۹۱ بار واژه ی "لیل" و مشتقات آن به کار رفته که خدای تبارک و تعالی در بسیاری از آیات قرآن شب، ویژگی ها، آثار، حالات و برکات آن سخن گفته است. همچنین "لیل" نام یکی از سوره های قرآن است.

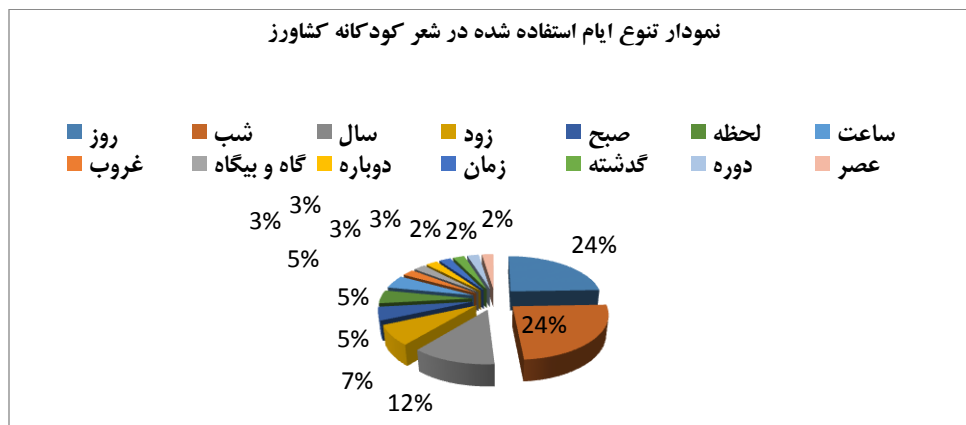
شب در شعر کلاسیک و شعر معاصر، گنجینه ای از لغات و مفاهیم گوناگون را در خود جای داده است. درک معنای درست، شمع، پروانه، عشق، معشوق، دعا، طلوع، غروب، سحر، سپیده، واقعه، مکاشفه، مراقبه و..

در گرو درک هاله معنایی از واژه شب است. شب در شعر معاصر قداست خود را از دست می دهد و بارها نماد اوضاع خفقان آور و آگاهی ستیز می شود. هم چنین شب نماد تاریکی و سیاهی نیز می باشد. (خسروی شکیب)،

شب منسوب به اصل منفعل، تأنیث و ناخودآگاه است. شب همانند روز بیان کننده ی باروری، نیروهای بالقوه و تکثیر است [۱۰]. کشاورز از شب و مشتقات آن از جمله امشب استفاده کرده است. به نظر می رسد شب در شعر او نشان از تاریکی و سیاهی شب دارد.

۳-۵-۲: غروب:

ناصر کشاورز از غروب در شعر خود به معنای زمان بین روز و شب یاد می کند که هوا نه کاملاً تاریک و نه کاملاً روشن است. غروب اغلب بار معنایی منفی و دلگیری به همراه دارد.



۳-۶: حشرات و پرندگان :

در قرآن کریم نام سه سوره بنام حشرات و پرندگان می باشد. نحل (زنبور عسل)، نمل (مورچه)، عنکبوت. شاعر در این طبقه به طور در مجموع از ۳۱ مورد استفاده کرده است که کلاغ (۸ مورد) بیشترین موارد استفاده شده را به خود اختصاص داده است و در مراتب بعدی کرم (۵ مورد)، مرغابی (۴ مورد)، شاپرک، لک، لک، دارکوب و مورچه (۲ مورد) و در پایین ترین درجه سنجاقک، بلبل، اردک، غاز، خروس و جوجه (۱ مورد) قرار دارند.

۳-۶-۱: کلاغ:

آنگاه خداوند کلاغی را فرستاد که زمین را کندوکاو کند و بدینوسیله به او نشان دهد که چگونه جسد برادر خود را دفن نماید! او گفت وای بر من! آیا من نمیتوانم مثل این کلاغ باشم و جسد برادر خود را دفن کنم، و سرانجام از کار خود پشیمان گردید. (مائده، ۳۱)

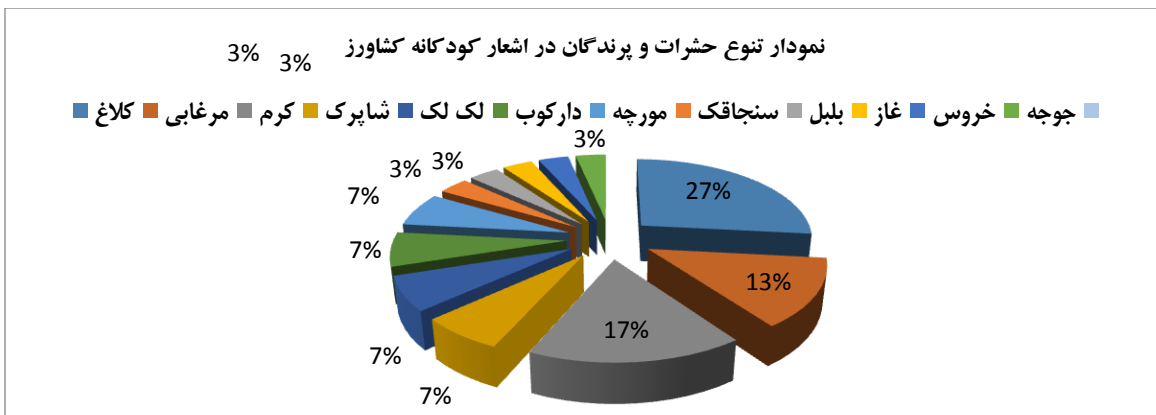
چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

واژه کلاغ فقط در همین دو مورد در قرآن ذکر شده است [۱۴]. کلاغ به سبب ارتباط با فضا نماد آفرینش، قدرت جهان آفرین و نیروی معنوی است. کلاغ را به سبب قدرت پرواز پیام آور نیز دانسته اند. کلاغ به خودی خود حکایتگر انزوا طلبی و زندگی در سطحی برتر، یعنی نماد پردازی تمامی پرندگان گوشه گیر است [۱۰]. در شعر ناصر کشاورز کلاغ به معنای پیام آور به کار رفته است.

۳-۶-۲: خروس:

خروس پرندۀ ی سحرگاه و نماد خورشید و نیز نشانه ای از هوشیاری و جنب و جوش است. به سبب ذبح شدن برای پریاپوس و آسکولاپیوس، خروس را شفادهنده ی بیماری ها پنداشته اند. در قرون وسطی خروس یکی از تصویرهای خیالی بسیار مهم مسیحیت شمرده می شد و او را تمثیلی از هوشیاری و رستخیز می پنداشتند [۱۰]. در شعر کشاورز خروس نشان از جنب و جوش و در واقع روحیه پرخاشگری این حیوان را نشان می دهد.

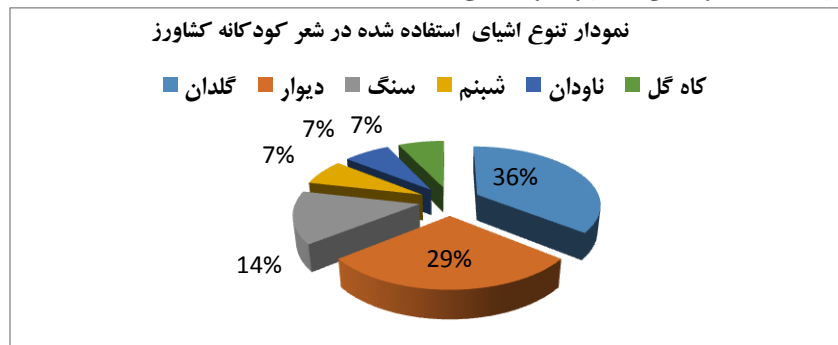


۳-۷-۲: اشیا:

شاعر در طبقه اشیا در مجموع از ۱۴ مورد استفاده کرده است که گلدان (۵ مورد) بیشترین موارد استفاده شده را به خود اختصاص داده است و در مراتب بعدی دیوار (۴ مورد)، سنگ (۲ مورد) و در پایین ترین درجه کاه گل، ناودان و شبنم (۱ مورد) قرار دارند.

۳-۷-۱: گلدان:

گلدان نشانه ای قاطع، برابر بانو، الهه آرامش، جاودانگی و رضاست. گلدان پر مرتبط با گیاه و زندگی و نشانه ای از باروری است [۱۰]. در شعر کشاورز گلدان مرتبط با گیاه و نشان از طراوت و شادابی دارد.



چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

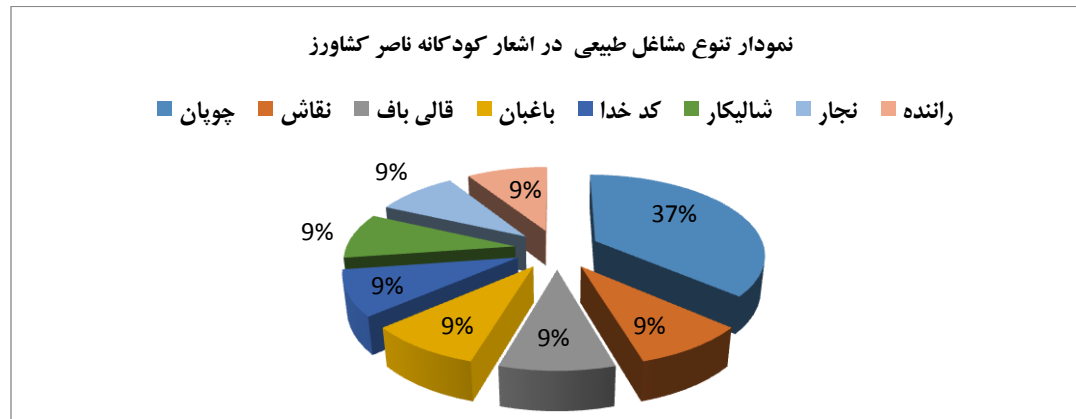
۳-۸: مشاغل :

شاعر در این طبقه در مجموع از ۱۱ مورد استفاده کرده است که چوپان (۴ مورد) بیشترین موارد استفاده شده را به خود اختصاص داده است و در پایین ترین درجه نقاش، قالی باف، باغبان، کدخدا، شالیکار، نجار و راننده (۱ مورد) قرار دارند.

۳-۸-۱: چوپان :

عنوانی است که به یکی از خدایان وابسته به ماه یعنی تموز داده شده و او را چوپان گله ی ستارگان دانسته اند. چوپان همچنین هدایت کننده ی ارواح به سرزمین مردگان است یعنی دارای شکوه روحانی و نمادی از قدرت متعالی است زیرا گله ی چهارپایان نماینده ی نیروهای کیهانی است. [۱۰]

در شعر کشاورز چوپان به معنای راهنما و هدایت کننده به کار رفته است.



۳-۹: خوراکی ها :

شاعر در این طبقه در مجموع از ۲۰ مورد استفاده کرده است که سیب (۹ مورد) بیشترین موارد استفاده شده را به خود اختصاص داده است و در مراتب بعدی سیب (به معنای سیب زمینی) (۴ مورد)، نارنگی (۳ مورد)، میوه (۲ مورد) و در پایین ترین درجه کلوچه و فندق (۱ مورد) قرار دارند.

۳-۹-۱: سیب :

سیب به عنوان یک غذای بارز، از دیرباز شناخته شده و در پزشکی سنتی از جمله در درمان های سرطان، دیابت، اسهال خونی، تب، بیماری های قلبی، بیماری های خونی ناشی از کمبود ویتامین ث، کاربردهای گوناگون داشته است

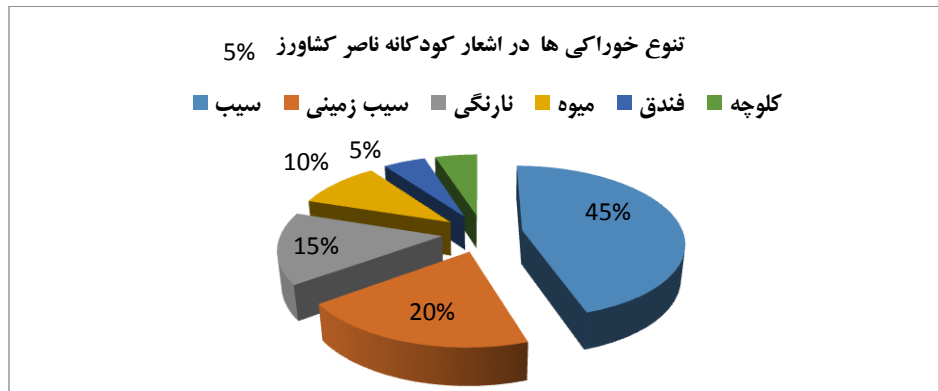
حضرت علی(ع) در روایاتی خواص سیب را این گونه بیان می فرمایند " :خوردن سیب سبب پاکیزگی و رطوبت معده می شود".

سیب به جهت شکل دایره وارث بیانگر تمامیت و نماد آرزوهای زمینی یا تسلیم در برابر خواسته های زمینی است . هشدار ی که برای پرهیز از خوردن این میوه ی ممنوع از زبان خداوند داده شده ، خود به منزله ی هشدار او به انسان در برابر غوطه وری در ستایش آرزوهای مادی است [۱۰]

کشاورز در شعر خود از سیب در نماد لطافت به کار برده است.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature



۳-۱۰: فصول :

فصل ها نقش بسیار مهمی در پدیدآوردن طبیعت زیبا دارند و هر کدام رنگ خاصی به طبیعت می بخشند: بهار و تابستان همه جا را سبز می کنند، زمستان بر طبیعت لباس سفید می پوشاند و پاییز با ورودش همه جا را رنگین می کند (نکته مولانا به طبیعت). شاعر در طبقه فصول به طور مستقیم و غیر مستقیم در مجموع از ۱۰ مورد استفاده کرده است که فصل پاییز (۵ مورد) بیشترین موارد استفاده شده را به خود اختصاص داده است و در مراتب بعدی فصل زمستان (۴ مورد) و در پایین ترین درجه فصل بهار (۱ مورد) قرار دارند.

۳-۱۰-۱: پاییز :

اگر بهار، فصل نوشدن و طراوت است، در پاییز طبیعت سرشار از چشم اندازهای رنگارنگ می شود. همین تنوع رنگها در فصل پاییز سبب شده که شاعران بعد از بهار بیشتر توجهشان معطوف به پاییز باشد. پاییز در شعر این دوره دو چهره کاملاً متفاوت دارد. گاهی شاد و طربناک و گاه غم انگیز و دلگیر و البته زمینه غالب متعلق به تصویر دوم است. آنجاها که پاییز شاد است بیشتر با مدرسه و شروع سال تحصیلی پیوند خورده است. پاییز فصلی است که به علت ایجاد تغییرات سریع در طبیعت آدمی را به تفکر در طبیعت خود و عبرت و مرور گذشته ها دعوت می کند. [۲۲]

کشاورز در شعر خود از نماد پاییز برای نمایش تغییرات سریع در طبیعت (از جمله زرد شدن برگ ها) استفاده کرده است.

۳-۱۰-۲: بهار :

پس به آثار رحمت خدا بنگر که چگونه زمین را پس از مرگش زنده می گرداند. در حقیقت، هم اوست که قطعاً زنده کننده مردگان است و اوست که بر هر چیزی تواناست. (روم، ۳۰)

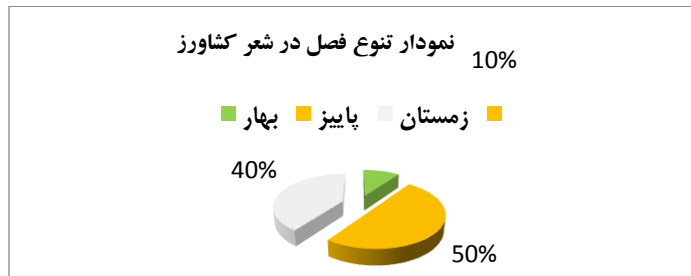
این واژه در قرآن ذکر نشده است؛ ولی آیات فراوانی از قرآن از مردن زمین و زنده کردن آن به دست قدرت الهی، سخن می گوید. این آیات به فصل بهار اشاره دارد که در فصل بهار، با باریدن باران و وزش باد بهاری، خدا زمین و درختان را زنده می کند. (بهار از منظر قرآن مظهر رحمت، قدرت و حقانیت است.

بهارنماد معانی گوناگونی است که همگی دلالت براموری مثبت می کند. [۶] همچنین بهار در ادبیات فارسی از گذشته تا به حال نماد سرسبزی و خرمی، تنوع، رستاخیز، بخشندگی و امید و... می باشد.

به نظر می رسد در شعر کشاورز بهار به معنای به کار رفته است.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature



۱۱-۳: حیوانات :

ارتباط انسان و حیوان دیرینه است و ریشه های انس و الفت آدمی با برخی حیوانات را باید در زندگی انسان های نخستین جستجو کرد. گذشت که در دین مقدس اسلام همه پدیده ها بر اساس خدا محوری تفسیر و تبیین می شوند؛ به حیوانات نیز از دیدگاه نشانه ها و مخلوقات الهی نگریسته می شود و طبیعی است که مخلوق خدا دارای احترام خاص خویش است. هفت سوره از قرآن به اسم حیوانات نام گذاری شده است که عبارت اند از : بقره (گاو)، انعام (چارپایان)، فیل و عادیات (اسبان دونده) [۱۳]. جانوران به سبب کاربرد تخیلی و تمثیلی که دارند، همواره نقش زیادی در ادبیات فارسی داشته اند؛ یکی از قدیمی ترین و کهن ترین روش های ادبیات فارسی ، استفاده تمثیلی از حیوانات است.

شاعر در طبقه حیوانات در مجموع از سه گروه از حیوانات استفاده کرده است که حیوانات اهلی (۱۲ مورد) بیشترین موارد استفاده شده را به خود اختصاص داده است و در مراتب بعدی آبیان (۹ مورد) و در پایین ترین درجه حیوانات وحشی (۳ مورد) قرار دارند.

۱۱-۳-۱: حیوانات اهلی :

شاعر در طبقه حیوانات اهلی در مجموع از ۱۲ مورد استفاده کرده است که سگ، گربه (۳ مورد) بیشترین موارد استفاده شده را به خود اختصاص داده است و در مراتب بعدی بز (۲ مورد) و در پایین ترین درجه گوسفند، بره، میش و الاغ (۱ مورد) قرار دارند.

۱۱-۳-۱-۱: سگ :

سگ حیوانی است که به وفاداری معروف و دارای گونه های متعددی است . برخی از انواع آن همواره در کنار انسان زیسته و به او خدمت کرده است. سگ تربیت پذیر و از شامه ای قوی برخوردار است. نقش مهم سگ در زندگی روستایی و عشایری نیز مهم است . لفظ "کلب" در قرآن پنج بار تکرار شده است. در یک مورد صورت بسیار زشتی از منظره سگ را می نمایاند ولی در چهار مورد دیگر سخن از همراهی سگ با اصحاب کهف است [۱۳].

سگ نماد وفاداری است. در نمادپردازی مسیحیت سگ معنای دیگری نیز دارد که برگرفته از نقش سگ گله یعنی پاسبانی و راهنمایی گله ی چهارپایان و گاه تمثیلی از کشیشان است [۱۰]

در شعر کشاورز سگ به معنای نگهبانی و گاهی به معنای واقعی خود بکار رفته است.

اتل مثل صدای هاپ هاپ اومد دلم به تاپ تاپ اومد یکی بره این سگه را ببنده صدای اون بلنده (کشاورز، ۱۳۷۴: ۶)

۱۱-۳-۲: حیوانات وحشی :

شاعر در طبقه حیوانات وحشی در مجموع از ۲ مورد استفاده کرده است که گرگ (۲ مورد) بیشترین موارد استفاده شده را به خود اختصاص داده است و در پایین ترین درجه آهو (۱ مورد) قرار دارند.

۱۱-۳-۲-۱: گرگ :

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

گرگ در میان رومیان نماد دلاوری است. در جایی دیگر گرگ نماد اصل بدی می شود و این نکته در چارچوب طرح اندیشه هایی است که بی گمان به کیهان پژوهی وابسته است. هم چنین گرگ نمادی از بی رحمی و درنده خویی است. [۱۰] در شعر ناصر کشاورز ویژگی درنده خویی و بی رحمی گرگ مد نظر است.

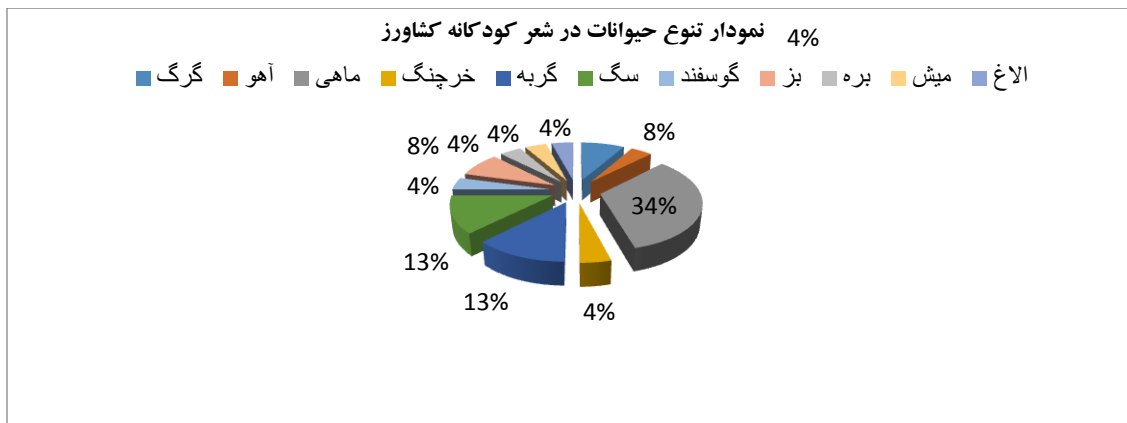
۳-۱۱-۳: آبزبان :

شاعر در طبقه آبزبان در مجموع از ۲ مورد استفاده کرده است که ماهی (۸ مورد) بیشترین موارد استفاده شده را به خود اختصاص داده است و در پایین ترین درجه خرچنگ (۱ مورد) قرار دارند.

۳-۱۱-۳: ماهی :

در قرآن به صورت صریح ۶ بار کلمه ماهی استفاده شده اما به اهمیت آن به طور غیر مستقیم پرداخته و آن را منبع گوشت تازه معرفی می کند.

طبیعت اصلی ماهی دو لایه است: به سبب شکل قرقره مانند خود، به صورت گونه ای از پرندگان جهان مردگان در می آید و نماد ایثار و ارتباط میان زمین و آسمان می شود. از سوی دیگر به سبب داشتن تخم های فراوان نماد باروری است. [۱۰] ناصر کشاورز در شعر خود از ماهی به عنوان یک حیوان آبری یاد می کند و به نظر می رسد این کلمه در معنای واقعی خود می باشد.



۳-۱۲-۳: اماکن :

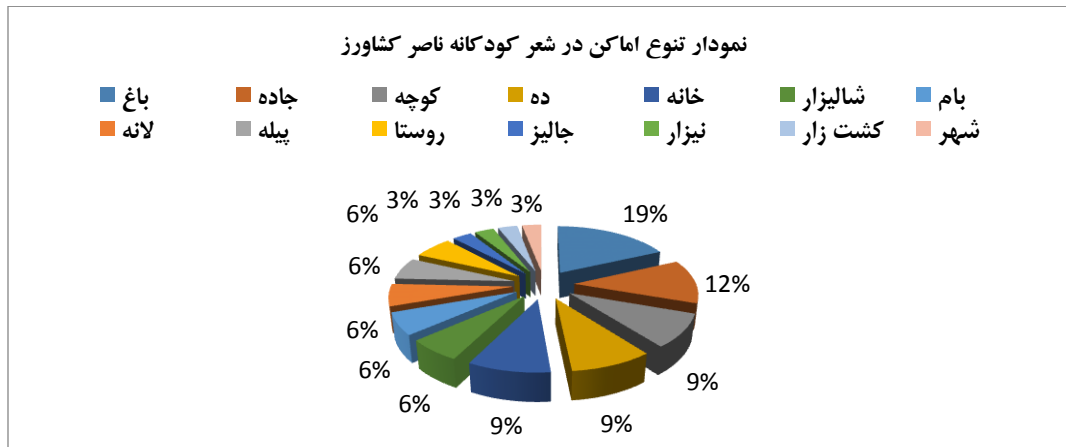
شاعر در این طبقه در مجموع از ۳۳ مورد استفاده کرده است که باغ (۶ مورد) بیشترین موارد استفاده شده را به خود اختصاص داده است و در مراتب بعدی جاده (۴ مورد)، کوچه، ده و خانه (۳ مورد)، شالیزار، بام، لانه، پیله و روستا (دو مورد) و در پایین ترین درجه جالیز، نیزار، کشت زار، شهر (۱ مورد) قرار دارند.

۳-۱۲-۳: باغ :

باغ جایگاهی است که در آن طبیعت رام شده، نظام یافته، انتخاب شده و محصور شده است. از این رو باغ نمادی از خودآگاهی می باشد. [۱۰] از طرفی باغ همچون نمایشگاهی بزرگ از عناصر طبیعی می باشد و زندگی در آن موج می زند [۱۰] شعر کشاورز باغ نماد سرسبزی و مکانی محصور پر از گل و گیاه می باشد.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature



۴. نتیجه گیری

در بررسی انجام شده پیرامون جلوه های طبیعت در اشعار کشاورز به این نتیجه رسیدیم که این شاعر برجسته بسیار به طبیعت نزدیک است و به جرات می توان او را در حوزه ادبیات کودک و نوجوان شاعر طبیعت نامید.

با بررسی های انجام شده مشخص شد که کشاورز در میان جلوه های طبیعی به پدیده های طبیعی (۲۲.۰۶٪) بیشترین توجه و فصول (۲۸.۳٪) کمترین توجه را مبذول داشته است.

در میان رنگ ها او از رنگ سبز (۲۳٪) بیشتر استفاده کرده است. این رنگ چون مایه آرامش است، باید به شاعر در این حسن سلیقه و دقت تبریک گفت.

در میان عناصر اربعه شاعر آب با ۷۲٪ بالاترین فراوانی را به خود اختصاص داده است. به یقین این وفور استفاده با هدف شناساندن آب به عنوان مایه حیات و اهمیت آن به کودکان بوده است. شاعر در مراتب بعدی با فاصله زیادی از آتش، خاک و باد استفاده کرده است.

شاعر در طبقه پدیده های طبیعی در مجموع از ۹۲ مورد استفاده کرده است که خورشید (۱۲ مورد) بیشترین موارد استفاده شده را به خود اختصاص داده است و در مراتب بعدی دریا (۱۰ مورد)، آسمان (۸ مورد)، موج، صحرا (۷ مورد)، ساحل (۶ مورد)، ابر، برف، کوه (۴ مورد)، ماه، رود، باران، چشمه، ماسه (۳ مورد)، زمین، رنگین کمان، گل (۲ مورد) و در پایین ترین درجه سایه، کویر، خاکستر، ریشه، جو، گندم، کاه، ارزن (۱ مورد) قرار دارند.

شاعر در طبقه گیاهان به طور مستقیم و غیر مستقیم در مجموع از ۳۵ مورد استفاده کرده است که گل (۸ مورد) بیشترین موارد استفاده شده را به خود اختصاص داده است و در مراتب بعدی درخت (۷ مورد)، شاخه، برگ و بوته (۴ مورد)، و در پایین ترین درجه گیاه، پیچک، یاس، ریشه، جو، گندم، کاه، ارزن (۱ مورد) قرار دارند.

شاعر در طبقه ایام به طور مستقیم و غیر مستقیم در مجموع از ۴۱ مورد استفاده کرده است که شب و روز (۱۰ مورد) بیشترین موارد استفاده شده را به خود اختصاص داده است و در مراتب بعدی سال (۵ مورد)، زود (۳ مورد)، ساعت، صبح و لحظه (۲ مورد) و در پایین ترین درجه غروب، گاه و بیگاه، دوباره، زمان، گذشته، دوره و عصر (۱ مورد) قرار دارند.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

شاعر در طبقه پرندگان و حشرات به طور در مجموع از ۳۱ مورد استفاده کرده است که کلاغ (۸ مورد) بیشترین موارد استفاده شده را به خود اختصاص داده است و در مراتب بعدی کرم (۵مورد)، مرغابی (۴مورد)، شاپرک، لک لک، دارکوب و مورچه (۲ مورد) و در پایین ترین درجه سنجاقک، بلبل، اردک، غاز، خروس و جوجه (۱مورد) قرار دارند.

شاعر در طبقه اشیا در مجموع از ۱۴ مورد استفاده کرده است که گلدان (۵ مورد) بیشترین موارد استفاده شده را به خود اختصاص داده است و در مراتب بعدی دیوار (۴ مورد)، سنگ (۲ مورد) و در پایین ترین درجه کاه گل، ناودان و شبنم (۱مورد) قرار دارند.

شاعر در طبقه مشاغل در مجموع از ۱۱ مورد استفاده کرده است که چوپان (۴ مورد) بیشترین موارد استفاده شده را به خود اختصاص داده است و در پایین ترین درجه نقاش، قالی باف، باغبان، کدخدا، شالیکار، نجار و راننده (۱مورد) قرار دارند.

شاعر در طبقه خوراکی ها در مجموع از ۲۰ مورد استفاده کرده است که سیب (۹ مورد) بیشترین موارد استفاده شده را به خود اختصاص داده است و در مراتب بعدی سیب (به معنای سیب زمینی) (۴ مورد)، نارنگی (۳ مورد)، میوه (۲ مورد) و در پایین ترین درجه کلوچه و فندق (۱مورد) قرار دارند.

شاعر در طبقه فصول به طور مستقیم و غیر مستقیم در مجموع از ۱۰ مورد استفاده کرده است که فصل پاییز (۵ مورد) بیشترین موارد استفاده شده را به خود اختصاص داده است و در مراتب بعدی فصل زمستان (۴ مورد) و در پایین ترین درجه فصل بهار (۱مورد) قرار دارند.

شاعر در طبقه حیوانات در مجموع از سه گروه از حیوانات استفاده کرده است که حیوانات اهلی بیشترین موارد استفاده شده را به خود اختصاص داده است و در مراتب بعدی آبیان و در پایین ترین درجه حیوانات وحشی قرار دارند.

شاعر در طبقه حیوانات اهلی در مجموع از ۱۲ مورد استفاده کرده است که سگ، گربه (۳ مورد) بیشترین موارد استفاده شده را به خود اختصاص داده است و در مراتب بعدی بز (۲ مورد) و در پایین ترین درجه گوسفند، بره، میش و الاغ (۱مورد) قرار دارند.

شاعر در طبقه آبیان در مجموع از ۲ مورد استفاده کرده است که ماهی (۸ مورد) بیشترین موارد استفاده شده را به خود اختصاص داده است و در پایین ترین درجه خرچنگ (۱مورد) قرار دارند.

شاعر در طبقه حیوانات وحشی در مجموع از ۲ مورد استفاده کرده است که گرگ (۲ مورد) بیشترین موارد استفاده شده را به خود اختصاص داده است و در پایین ترین درجه آهو (۱مورد) قرار دارند.

شاعر در طبقه اماکن در مجموع از ۳۳ مورد استفاده کرده است که باغ (۶ مورد) بیشترین موارد استفاده شده را به خود اختصاص داده است و در مراتب بعدی جاده (۴ مورد)، کوچه، ده و خانه (۳مورد)، شالیزار، بام، لانه، پیله و روستا (دو مورد) و در پایین ترین درجه جالیز، نيزار، کشت زار، شهر (۱مورد) قرار دارند.

۵. مراجع

۱. قرآن کریم.
۲. راشد محصل، صالح و عبداللهی، منیژه و کارگران، ربابه؛ بررسی عناصر طبیعت در کتاب فارسی دوم دبستان، مجله ی علمی پژوهشی مطالعات ادبیات کودک، سال اول، شماره ی دوم، پاییز و زمستان ۱۳۸۹
۳. انوشه، حسن؛ دانشنامه ادب و زبان فارسی، تهران، سمت، ۱۳۷۶، چاپ اول، جلد ۲
۴. بلالی، رقیه؛ بخش گفتگو؛ گفتگو از جعفر قربانی، کتاب ماه کودک و نوجوان، سال سوم، شماره ۱۱، تهران، ۱۳۷۹.
۵. پولادی، کمال، بنیادهای ادبیات کودک، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۸۴.
۶. تاجدینی، علی. فرهنگ نمادها و نشانه ها در اندیشه مولانا، تهران: سروش، انتشارات صدا و سیما ۱۳۸۲
۷. حاجی نصر الله، شکوه؛ چگونگی طرح مفاهیم انتزاعی در ادبیات کودک، پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان، تابستان ۱۳۸۰.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

۸. حجازی، بنفشه. ادبیات کودکان و نوجوانان و ویژگی ها و جنبه ها. تهران: روشنگران. ۱۳۸۵
۹. خسرو نژاد، مرتضی؛ معصومیت و تجربه (درآمدی بر فلسفه ادبیات کودک) تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۲.
۱۰. خوان ادواردو سیرلو؛ (۱۳۸۸) فرهنگ نمادها، ترجمه مهر انگیز واحدی، تهران: انتشارات دستان
۱۱. دهخدا، علی اکبر. لغت نامه، تهران: مؤسسه لغت نامه دهخدا، ۱۳۸۵.
۱۲. رجب زاده، شهرام. شهامت و شتاب (مروری بر کارنامه ناصر کشاورز در عرصه شعر نوجوان)، پژوهش نامه ادبیات کودک و نوجوان، شماره ۳۱، ۱۳۸۱
۱۳. رستمی، محمد حسن. سیمای طبیعت در قرآن، (لینک کتاب: <http://shiestudies.net/library/Subpage/Book.php?syslang=۳&id=۶۹۹>) ۱۳۹۱
۱۴. رنگچی، غلامحسین؛ گل و گیاه در ادبیات منظوم فارسی (تا ابتدای مغول)، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۳
۱۵. زرقانی، سید مهدی و عباسپور نوغانی، محبوبه؛ بررسی محتوای شعر کودک در دهه ۷۰ (گروه های سنی الف، ب و ج)، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد (علمی-پژوهشی)، شماره ۱۵۹، (۱۳۸۶)
۱۶. سید آبادی، علی اصغر؛ عبور از مخاطب شناسی سنتی، تهران: نشر فرهنگ ها، ۱۳۸۵.
۱۷. سید رضایی، طاهره و حسنی، طاهره؛ کتاب ماه کودک و نوجوان، دی ۱۳۹۰، سال پانزدهم - شماره ۱۷۱
۱۸. شعاری نژاد، علی اکبر؛ ادبیات کودکان. تهران: مؤسسه اطلاعات، ۱۳۷۰
۱۹. شفیعی کدکنی، محمدرضا؛ صور خیال در شعر فارسی، تهران: آگاه، ۱۳۸۶
۲۰. شفیعی کدکنی، محمد رضا. ادوار شعر فارسی، سخن، ۱۳۸۰
۲۱. شفیعی کدکنی، محمد رضا. صور خیال در شعر فارسی، انتشارات آگاه؛ ۱۳۷۰
۲۲. شمیسا، سیروس؛ نگاهی به فروغ فرخزاد. تهران: مروارید، ۱۳۷۲
۲۳. شوالیه، ژان، گربران، آلن. (۱۳۸۷) فرهنگ نمادها؛ ترجمه سودابه فضایی، تهران: انتشارات جیحون
۲۴. گلشنی، مهدی. (۱۳۷۵) قرآن و علوم طبیعت، تهران: نشر مطهر.
۲۵. موسوی، فاطمه و هادی پور، اصغر و سمندری؛ سیر ادبیات کودک و نوجوان در ایران، فصل نامه ادبیات فارسی (علمی، ترویجی)، سال چهارم، شماره ۱۱، بهار و تابستان ۸۷.
۲۶. مطالعات ادبیات تطبیقی: شماره ۵، بهار ۱۳۸۷